

جامعه جهانی

جامعه شناسی دو

پایه یازدهم

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس هفتم

YABANDEH

دانلود از اپلیکیشن پادرس



در هر دوره تاریخی، جوامع مختلف و شبکه روابط میان آنها، جامعه جهانی را می سازد.

جامعه جهانی براساس ویژگی های فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری جوامع مختلف، حالت های زیر را به خود می گیرد.

جامعه جهانی عرصه حضور فعال فرهنگ های متفاوت باشد

یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد

- ✓ تعاملات، گفت وگوها و برخوردهای فرهنگی و تمدنی رخ خواهد داد.
- ✓ چالش ها نیز از نوع چالش های بین فرهنگی و تمدنی خواهند بود.

فاقد ویژگی های مطلوب فرهنگ جهانی باشد

دارای ویژگی های مطلوب فرهنگ جهانی باشد

❖ مواجهه فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام نمونه ای از چالش بین فرهنگ ها در سطح جهان است.

جامعه جهانی با چالش ها و تضاد های درونی مواجه خواهد شد

جامعه جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود

❖ فرهنگ سلطه، جامعه جهانی را به بخش های مرکز و پیرامون تقسیم می کند.



❖ امروزه جامعه جهانی در چه وضعیتی قرار دارد؟
❖ کدام یک از حالت های گفته شده بر جامعه جهانی حاکم است؟

امروزه یک فرهنگ یعنی فرهنگ غرب که به میزان زیادی از ویژگی های مطلوب فرهنگ جهانی برخوردار نیست در سطح جهانی غالب می باشد اما با بیداری کشورهای اسلامی ، بین فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب یک مواجهه روی داده و در نتیجه نوعی چالش بین فرهنگی و بین تمدنی شکل گرفته است که می خواه د نظم جامعه جهانی را از تسلط یک فرهنگ تغییر دهد .

❖ جامعه جهانی در گذشته چگونه بوده است؟

فرهنگ ها و تمدن های مختلف، هریک در بخشی از جهان، حاکمیت و قدرت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند .

روابط اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت های متفاوت برقرار بود اما سرنوشت تعاملات فرهنگی تابع روابط سیاسی ، نظامی یا اقتصادی نبود .

❖ در دوران جدید چه ویژگی هایی پیدا کرده است؟

امروزه جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآمده اند و فرهنگ کشور های غیر غربی نیز در حاشیه روابط و سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهانی ، وضعیتی متزلزل و آسیب پذیر پیدا کرده اند .

ویژگی های جامعه جهانی در گذشته

- ❖ فرهنگ ها و تمدن های مختلف، هریک در بخشی از جهان، حاکمیت و قدرت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند .
- ❖ روابط اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت های متفاوت برقرار بود .
- ❖ سرنوشت تعاملات فرهنگی تابع روابط سیاسی ، نظامی یا اقتصادی نبود .



اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می گرفتند، در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می کردند

فرهنگ های مختلف می توانستند از طریق روابط تجاری یا گفت و گو های مستقیم علمی و معرفتی از مرزهای جغرافیایی خود ، عبور کنند.



اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می گرفتند، در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می کردند.

مثال

- فرهنگ ایرانی به رغم پیروزی یونانیان، در دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد.
- چین با آنکه از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد.

فرهنگ های مختلف می توانستند از طریق روابط تجاری یا گفت و گوهای مستقیم علمی و معرفتی از مرزهای جغرافیایی خود، عبور کنند.

مثال

- نشر و گسترش اسلام متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود. ایرانیان، اجبار و الزامی به مسلمان شدن نداشتند و به تدریج اسلام را پذیرفتند.
- مسلمانان آسیای جنوب شرقی فارغ از قدرت سیاسی اسلام، از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا



❖ فرهنگ غرب از سده ۲۰ تا ۱۷ شکل جدیدی به روابط میان جوامع یا جامعه جهانی بخشید.

❖ در دو سده ۲۰ و ۱۹، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد.

❖ فرهنگ کشورهای غیرغربی نیز در حاشیه روابط و سازمان های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب پذیر پیدا کرد.

ویژگی های
جامعه جهانی
در حال

❖ با توجه به آنچه در فصل اول دربارهٔ سه مرحله استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو گفته شد موقعیت فرهنگی جوامع غیرغربی را در این سه مرحله، مقایسه کنید.

در استعمار قدیم چون وجه غالب نظامی و سیاسی بود فرهنگ کمتر تحت تاثیر قرار می گرفت و تا حدودی فرهنگ بومی حفظ می شد.

در استعمار نو وجه غالب اقتصادی بود و فرهنگ بومی تحت تاثیر استعمارگران قرار می گرفت ولی فرهنگ به طور ویژه مورد توجه استعمارگران نبود.

در استعمار فرانو وجه غالب فرهنگی است و فرهنگ مهم ترین ابزار استعماری باشد.

نظام نوین جهانی

در سده های ۱۷ تا ۲۰ ، اقتصاد گسترده ای شکل گرفت که تقسیم کارش مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود را درنوردید و نظامی در سطح جهان با عنوان «نظام نوین جهانی» پدید آورد که جوامع غربی را به صورت مرکز و سایر جوامع را به صورت پیرامون درآورد .



❖ جوامع غربی چگونه بر روابط بین الملل تأثیر گذاشتند نظام نوین جهانی چگونه پدید آمد؟

زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال ها شد و با انقلاب فرانسه دولت های سکولار شکل گرفت . قدرت دولت ها با ثروت و سرمایه بازرگانان پیوند خورد . کشورهای غربی برای درهم شکستن مقاومت فرهنگی و دسترسی به مواد خام ، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیر غربی از مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری استفاده کرده و از طریق استعمار توانستند کشورهای غیر غربی را در نظام جهانی ادغام نمایند .



۱- پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار

۲- پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت

مراحل تکوین نظام نوین جهانی

۳- به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری

۴- استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

پیدایش قدرت های سکولار

- ✓ زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال ها و اربابان بزرگ (کنت ها و لردها) شد.
- ✓ در نهایت با انقلاب فرانسه دولت هایی شکل گرفتند که به طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند .
- ✓ این دولت ها بر خلاف حکومت های گذشته ، خود را با هویتی دینی نمی شناختند بلکه خود را در ابعاد جغرافیایی ، تاریخی و خصوصا نژادی و قومی تعریف می کردند .
- ✓ دولت - ملت های جدید از این طریق پدید آمدند.

زوال تدریجی قدرت کلیسا

حاکمیت فئودال ها و اربابان بزرگ

تشکیل دولت های سکولار هم زمان با انقلاب فرانسه

دولت - ملت های سکولار

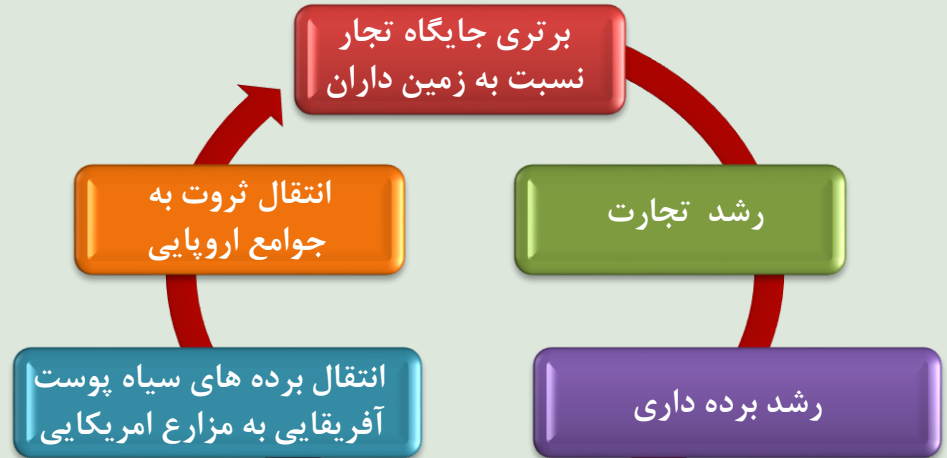
❖ از آنجا که اعضای یک کشور خود را به عنوان ملت می شناسند و توسط یک دولت اداره و نمایندگی می شوند به آن دولت - ملت می گویند.



پیوند قدرت با تجارت ، سرمایه و صنعت

- ✓ رشد تجارت ، رشد برده داری ، انتقال برده های سیاه پوست آفریقایی به مزارع امریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی موجب شد تا تجار، جایگاه برتری نسبت به زمین داران پیدا کنند .
- ✓ دولت ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان نیاز داشتند و بازرگانان برای تجارت و سود ، نیازمند حمایت ناوگان نظامی دولتمردان بودند .
- ✓ بدین ترتیب ، پیوند قدرت با ثروت و تجارت شکل گرفت .

صنعت ، عنصر دیگری بود که بر فرایند انباشت ثروت و موقعیت سرمایه داران افزود.



به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری

✓ کشور های غربی به مواد خام ، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشور های غیر غربی نیاز داشتند

✓ کشورهای غربی برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آنها را تحمل نمی کردند.

✓ کشور های غربی برای این منظور، در وهله نخست از مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری استفاده می کردند.

❖ دولت های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند. آنها همان گونه که ابتدا حرکت های پروتستانی را برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد سیاست سکولار به خدمت گرفتند، در این مرحله از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند.

❖ دولت های سکولار با تبلیغ مسیحیت ، فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی را دچار اختلال می کردند.

❖ دولت های سکولار از طریق سازمان های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می گذاشتند.

فراماسونری ابزاری برای تخریب جامعه جهانی پیشین و ساختن جامعه جهانی جدید. در قرون وسطی، بناهایی که برای ساختن قصرها و کلیساها در شهرهای مختلف تردد داشتند، با هویت صنفی واحدشان از اشراف، شاهزادگان، مقامات روحانی و همچنین انبوه رعیت که در نظام فئودالی فرصت تحرک اجتماعی و جغرافیایی نداشتند، متمایز بودند. روابط استاد - شاگردی که همراه انتقال مهارت های فنی ایجاد می شد، بر انسجام صنفی این گروه می افزود. بورژوازی و سرمایه داری نوپای غربی که در جامعه، فاقد پایگاه اشرافی یا موقعیت اجتماعی موجهی بود، نظام ارزشی و طبقاتی موجود را مغایر با منافع خود احساس می کرد. هسته های نخستین فراماسونری که بیشتر یهودیان سرمایه دار و زراندوز غربی بودند، با نفوذ در سازمان صنفی بناها که از دو طبقه اشراف و روحانیون متمایز بودند، به گسترش اندیشه های آزادی خواهانه پرداختند. شعار های آنها علاوه بر مخالفت با نظام اشرافی، هویتی آنها تلاش می کردند تاریخچه حرکت خود را به تلاش های حضرت سلیمان برای ایجاد جامعه جهانی نسبت دهند. در تعالیم آنها هر فراماسونر، حیوانی است که با ورود به لژ، به سوی انسانیت حرکت می کند و شایستگی پی ریزی جامعه جهانی مورد نظر را پیدا می کند، بنابراین آرمان سیاسی فراماسونرها جهان وطنی (کاسموپولیتیسیم) است. پرداختن به تاریخچه سازمان های ماسونی و نقش آنها در تحولات اجتماعی معاصر غرب به معنای استناد تام این تحولات به شبکه های تشکیلاتی این مجموعه نیست، هرچند که نقش آنها نیز قابل انکار نیست ولی تحولات تاریخی عمیق تر از آن است که به یک گروه سری یا توطئه و پنهان کاری آنها برگردد. سازمان های ماسونی یکی از این ابزار های آموزشی - سیاسی بود که غرب در تکوین خود به آن نیاز داشت. غرب در سلسله علل این تحولات، قبل از تشکل های سری یا سازمان های سیاسی، نظام های فکری خاصی پدیدار می شوند و آنگاه که اندیشه و تفکری خاص رواج پیدا کند، عناصر مستعد و مناسب خود را از میان گروه های مختلف اجتماعی جذب می کند و سازمان های آموزشی و سیاسی متناسب را پدید می آورد.

هنگام هجوم به مناطق غیر غربی از این سازمان ها برای تأمین نیاز های خود کمک گرفت. فراماسونرها که در حاکمیت سیاسی کشور های غربی سهیم بودند، از شیوه های ماسونی برای بسط اندیشه های غربی در میان رجال و نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور های غیر غربی بهره جستند. آنها با عضو گیری از این گونه افراد، شخصیت و هویت سیاسی آنها را که متعلق به نظام سنتی یا قومی جامعه بومی بود، از آنها سلب می کردند و شخصیت نوین کاذبی را که در ارتباط با فراماسونری غرب بود، به آنان القا می نمودند یک فراماسونر غیر غربی که معمولاً از رجال سیاسی کشورش است قبل از آنکه خود را کارگزار دولت خود بداند، برادر و هم مسلک وزیر امور خارجه انگلستان یا پادشاهان کشور غربی می داند که در لژ او یا در لژ دیگر دارای سمت استادی هستند. او با ورود به لژ و آشنایی با تعالیم آن، خود را جزء تشکیلات بزرگی می بیند که در تکوین تمدن غرب نقش دارد و اینک قصد تحول و تبدیل همه جهان و تصرف آن را دارد. لژ های ماسونی در دهه های نخست ورود خود به کشور های غیر غربی، از جاذبه فرهنگی و سیاسی برخوردار بودند ولی در دهه های بعد، پس از آنکه دیدگاه های غربی از طریق نظام آموزشی به اندیشه و ذهن جامعه راه یافت، جاذبه فرهنگی خود را از دست دادند و بیشتر به صورت گروه های سیاسی باقی ماندند.

استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

✓ استعمار مهم ترین عامل ادغام جوامع غیر غربی در نظام جهانی جدید بود.

✓ کشورهای استعمار زده به دو نوع تقسیم می شوند:

۱- کشورهایی که توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند.

۲- جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه سیاسی خود در آورند و از طریق نفوذ اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند . در دوره استعمار این گونه جوامع ، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می گرفتند و در شرایط نیمه استعماری به سر می بردند . مانند چین، عثمانی و ایران .

✓ جوامع استعمارزده به رغم مقاومت هایی که طی قرن ۲۰ انجام دادند ، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.

چین که بزرگ ترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی ، نفوذ گروه های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به صورت کشوری ضعیف درآمد که هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

عثمانی بزرگ ترین امپراتوری اسلامی محسوب می شد و قلمرو آن از عربستان، عراق ، سوریه ، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید میکرد . این امپراتوری نیز در اثر نفوذ گروه های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید ، بخش های عمده ای از آن جدا شد و ده ها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربرآوردند و هر کدام تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند.

ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه های خود را به روی کشورهای غربی بسته بود ، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری ، تحت شرایط مورد نظر کشورهای اروپایی شد .

ایران نیز در این دوره سرنوشتی مشابه چین و عثمانی پیدا کرد . بخش هایی در شمال غربی ، شمال شرقی و شرق (آذربایجان ، گرجستان ، ترکمنستان ، افغانستان و ...) از آن جدا شدند و به صورت کشورهای مستقل (افغانستان) یا بخش هایی از روسیه درآمدند . بقیه قلمرو ایران در شمال، تحت نفوذ روسیه و در جنوب، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و از نظر اقتصادی به اروپا وابسته شد .

به این ترتیب، بنکده مهمان قدیمه فاه انفت ه مهمان، مدبد سر برآورد.

دانلود از اپلیکیشن پادرس



❖ دربارهٔ هویتی که کشورهای تازه تأسیس پیدا می کنند و تاریخی که برای هویت آنها تدوین می شود ، تأمل و گفت و گو کنید.

کشورهای تازه استقلال یافته و جدا شده از پیکره جهان قدیم از هویت فرهنگی منسجمی برخوردار نیستند . مرزهای جغرافیای سیاسی آنها تحت امر استعمارگران شکل گرفته و تنها در قالب مزیت مطلق در تولید برخی کالاها به صورت کشورهای تک محصولی در آمده اند و خود را از این طریق به دیگران معرفی می کنند .